

تعیین رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان رشته طراحی صنعتی: نقش تفاوت جنسیتی*

مهدی ابرازہ^{۱*}، علی زاده محمدی^۲، نادر شایگانفر^۳

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۳ استادیار فلسفه هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۷/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۲۸)



چکیده

هدف از انجام این تحقیق، پی بردن به رابطه میان برخی از متغیرهای بنیادین در آموزش هنر نظیر ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی بوده است تا از این طریق بتوان با شناخت از وجود رابطه میان متغیرهای تحقیق کیفیت و بهره‌وری آموزشی را در فرآیند سیاست‌گذاری‌های مربوطه و اتخاذ روش‌های کارآمد، ارتقاء بخشید. دانشجویان رشته طراحی صنعتی هر چهار سال تحصیلی از میان دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بصورت غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق عبارتند از: ابزار سنجش خلاقیت آزمون تفکر خلاق تورنس؛ آزمون پنج عاملی ویژگی‌های شخصیتی؛ ابزار خودشکوفایی استعداد. جهت تحلیل همبستگی در نرم‌افزار اس پی اس از ابزار پیرسون استفاده شد. روش پژوهش از نوع تحقیق همبستگی بر اساس نمونه‌گیری از بستر کیفی و تبدیل داده‌ها به صورت نتایج کمی در قالب ساختار آمار تحلیلی (استنباطی) می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان دانشجویان پسر و دختر تفاوت‌های اندکی وجود دارد، بدین صورت که تنها تفاوت میان دانشجویان پسر و دختر بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت در عامل روان‌آزرده‌خوبی است. همچنین تنها تفاوت میان دو گروه بین شاخص خلاقیت و خودشکوفایی در وظیفه‌شناسی است. در نهایت، بین شاخص‌های خلاقیت با خودشکوفایی میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی

هنر، طراحی صنعتی، ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت، خودشکوفایی، تفاوت جنسیتی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان: "تعیین رابطه میان ویژگی‌های شخصیت، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان رشته‌های نقاشی، گرافیک، عکاسی، طراحی صنعتی و معماری" به راهنمایی نگارندگان دوم و سوم می‌باشد.

** نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۹۳۲۹۰۷۰۰۹۳، نمابر: ۰۴۴۰۹۷۷۸۲-۰۲۱، E-mail: m.ebrazeh@au.ac.ir

مقدمه

شناخت از وجود رابطه میان برخی از متغیرهای مؤثر در ارتقای آموزش هنر، امکان برنامه ریزی برای مدرسان هنر را فراهم می آورد تا بدین وسیله بر روی متغیرهای مربوطه، تحقیقات وسیعی را سرمایه گذاری نمایند تا کیفیت و بهره وری آموزشی در مراکز دانشگاهی به بهترین وجه ممکن افزایش یابد؛ در نتیجه استعداد های چه آشکار و چه پنهان دانشجویان در رشته های مختلف هنری پدیدار گردد تا دانشجویان، اساتید و دانشگاه ها در کوتاه ترین زمان ممکن از نتایج درخشان به دست آمده بهره مند گردند. یکی از رشته های بسیار مهم و راهبردی که در شکوفایی سطوح مختلف جامعه دانشگاهی نقش مهمی ایفا می نماید رشته طراحی صنعتی می باشد، چرا که هم از حیث هنری دارای ارزش های زیبایی شناختی است و هم از حیث کارکردگرایی دارای کاربردی صنعتی است که تلفیق این دو می تواند برای حل بسیاری از مسائل اجتماعی کاربرد داشته باشد. به نظر می رسد یکی از متغیرهای مهم که در شناخت ما نسبت به جامعه تحقیق کمک فراوانی می کند، ویژگی های شخصیتی باشد چرا که آگاهی از نوع شخصیت دانشجویانی که دارای خلاقیت بالا و همچنین مستعد در شکوف نمودن استعداد های خویش هستند، می تواند محققین را در دستیابی به مدل های آموزشی کارآمد در نهاد های دانشگاهی یاری رساند.

خلاقیت، عبارت است از فرآیند تولید محصولی نو، مفید و مناسب که مورد قبول همگانی قرار گرفته باشد (Sternberg and Lubart, 1996; Plucker et al., 2004; Sternberg et al., 2003). غالب توصیفاتی که بر پایه خلاقیت فرد طرح می شوند، برویژگی های شخصیتی وی متمرکز گشته اند. به خصوص آن دسته از نیروهای انگیزشی توسعه یابنده و میان فردی مشتق گرفته شده که به سوی کنش خلاقانه، سوق می یابند (Cashdan, 1971, 39-52). مفهوم خودشکوفایی، به ارضای نیازهای فرد و روال به حداکثر رساندن استعدادهای بالقوه فرد بالغ اطلاق می شود (Jones and Crandall, 1986, 63-73). مزلو (1954)؛ به نقل از مسترز (2009)، به بیان دیگر خودشکوفایی را به عنوان تحقق درون داشت ها، ظرفیت ها و استعداد های بالقوه، به صورت مداوم به منظور انجام یک ماموریت عنوان کرده است. خودشکوفایی را با احساس امنیت، مضطرب نبودن و پذیرفته بودن، دوست داشتنی بودن، شایسته احترام بودن و رسیدن به یک سیستم وجودی و معنی توصیف نموده است (Smith, 2002, 22-23).

ارتباط مستقیم خودشکوفایی با شاخصه های شخصیتی مانند برون گرایی و سلامت روان و ارتباط معکوس آن با روان رنجورخویی در مطالعات متعدد نشان داده شده است (بطور مثال، Dahl et al.,

1995; Knapp, 1975; Dolye, 1972; Tosi, 1983). همچنین داهل^۳ و همکاران (1983, 683-695) نشان دادند که سطوح برون گرایی بالای زنان در مقایسه با مردان، همبستگی مثبت و بالایی با سطح خودشکوفایی دارد ولی سطوح مختلف روان رنجورخویی در هر دو جنس به میزان یکسان با خودشکوفایی همبستگی منفی دارد. مزلو (1970)، با انتخاب دانشجویانی که با تعریف خودشکوفایی مطابقت داشتند، دریافت که این گروه در زمره ۱ درصد سالم ترین افراد جمعیت قرار دارند. در این دانشجویان، هیچ نشانه ای از ناسازگاری وجود نداشت و همگی از استعداد و قابلیت های خود به طور کارآمد استفاده می کردند (Gebauer, 2008, 399-420). همچنین نتایج پژوهشی نشان داد که نمرات بالای خودشکوفایی، با نمرات بالای شادکامی، افسردگی و هدفمندی در زندگی، همبستگی مثبت دارد و نشان دهنده رابطه مستقیم میان مذهبی بودن و جوانب سلامتی ذهنی است (French, 1999, 117-120). از طرفی خودشکوفایی، یکی از ملزومات اهداف آموزشی، محیط های یادگیری و خلاقیت است. اهداف آموزشی عبارتند از تأکید یادگیری بر خلاقیت، پختگی (فکر)، بازی، تصویرسازی، مشابهنه، انعطاف پذیری، تجربه بهینه، لذت، بهزیستی و چالش مکفی (Burlinson, 2005, 436-45). این توافق وجود دارد که نه تنها یادگیری و خلاقیت برای خودشکوفایی ضروری هستند، بلکه خود آگاهی، انگیزش درونی و خودشکوفایی نیز برای یادگیری و خلاقیت، اموری بنیادین تلقی می شوند و برای آنها یک چرخه همگوشی وجود دارد (شقایق و آگاه هریس، ۱۳۸۹، ۶۲).

با توجه به اهمیت مفهوم شخصیت و خودشکوفایی در خلاقیت هنری، پرداختن به روابط بین ویژگی های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان هنر، زمینه ای مناسب برای کشف پدیده های خلاق و منحصر به فرد که حاصل فعالیت های خلاقانه هنری و یا حتی الهام بخش هنرمندان در آفرینش های هنری هستند را فراهم می کند و این قبیل پژوهش های میدانی و اکتشافی، ابعاد و گستره ای از توانایی های نهفته هنرمندان را آشکار می کند. اثر هنری محصول کنش ها، فعالیت ها و فرآیندهای پیچیده ذهنی خلاق دانشجوی هنر است، از این رو آگاهی از ویژگی های شخصیتی و مراحل خلاقیت هنری، تجربه ای از فراروندگی و خودشکوفایی را که نشانه ای مهم از نشانه های خودشکوفایی و سرزندگی را کشف و شناسایی می کند. پژوهش در حوزه های علوم دیگر همچون علوم شناختی و روان شناسی هنر، در رابطه با هر یک از گرایش های هنری نزد دانشجویان هنر، امکان یافتن شیوه های خلاق در سبک های آموزشی هنر را تسهیل می کند.

پیشینه تحقیق

در زمینه ویژگی های شخصیتی، تحقیقاتی که تاکنون در حوزه روان شناسی هنر صورت پذیرفته، بیش از آنکه برویژگی ها، توانایی ها

و مهارت های شخص هنرمند استوار شده باشد، بر توجه نسبت به وجوه مختلف جامعه مخاطبین آثار هنری متمرکز گشته است

ابزار اندازه‌گیری

با در نظر گرفتن وجود پیچیدگی‌های موجود در خلاقیت^{۱۹}، برخی از محققین بر روی ویژگی‌های محصولات خلاقانه متمرکز شده‌اند در حالی که برخی دیگر، اجزای خاص از فرآیند خلاقانه را جهت اندازه‌گیری خلاقیت مورد توجه قرار داده‌اند. با در نظر گرفتن مورد دوم، آزمون سنجش تفکر خلاق تورنس به عنوان یکی از آزمون‌های استاندارد شده روانسنجی شناخته شده است که می‌تواند عملکرد خلاقانه را در آزمودنی‌ها مورد ارزشیابی قرار دهد (Torrance, 1990). ابزار تفکر خلاق تورنس، محرک‌های استاندارد دارد که از فرآیند خلاق در محیط‌های کنترل شده بازتولید شده‌اند و ایجاد می‌کند (Chavez, 2007, 528-529). عابدی (۱۳۷۲، ۴۶-۵۴)، ضریب اعتبار بخش‌های سیالی^{۲۰}، ابتکار^{۲۱}، انعطاف‌پذیری^{۲۲} و بسط^{۲۳} را که از طریق بازآزمایی به دست آورده بود، در ایران به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ گزارش کرده است.

پرسش‌نامه پنج عاملی بزرگ شخصیت (Costa and McCrae, 1992)، ابزاری مناسب شامل مقیاس‌های روان‌آزرده‌خویی^{۲۴}، برون‌گرایی^{۲۵}، گشودگی به تجربه^{۲۶}، سازگاری^{۲۷}، وظیفه‌شناسی^{۲۸}، روان‌آزرده‌خویی شامل مقیاس‌های: اضطراب^{۲۹}، کینه‌ورزی^{۳۰}، افسردگی^{۳۱}، شرم^{۳۲}، تکانشوری^{۳۳}، آسیب‌پذیری از استرس^{۳۴}؛ برون‌گرایی شامل مقیاس‌های: صمیمیت^{۳۵}، جمع‌گرایی^{۳۶}، قاطعیت^{۳۷}، فعالیت^{۳۸}، هیجان‌خواهی^{۳۹}، هیجان‌های مثبت^{۴۰}؛ گشودگی به تجربه شامل مقیاس‌های: تخیل^{۴۱}، زیبایی‌شناسی^{۴۲}، عواطف^{۴۳}، کنش‌ها^{۴۴}، دیدگاه‌ها^{۴۵}، ارزش‌ها^{۴۶}؛ سازگاری شامل مقیاس‌های: اعتماد^{۴۷}، سادگی^{۴۸}، نوع‌دوستی^{۴۹}، تبعیت^{۵۰}، تواضع^{۵۱}، درک دیگران^{۵۲} و وظیفه‌شناسی شامل مقیاس‌های: شایستگی^{۵۳}، نظم^{۵۴}، وظیفه‌شناسی^{۵۵}، تلاش برای موفقیت^{۵۶}، پیگیری^{۵۷}، انعطاف‌پذیری^{۵۸} می‌باشند (Hough and Ones, 2001). ابزار نئون نشان داده که ابزار کوتاه شده معتبر و قابل اعتمادی است که شامل ۶۰ گویه می‌باشد (Costa and McCrae, 1992). در هنجاریابی آزمون نئون که توسط گروهی فرشی (۱۳۸۰) بر روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت، ضرایب آلفای کرونباخ^{۵۹} در هر یک از عوامل اصلی روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، سازگاری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. ابزار سنجش شکوفایی استعداد به عنوان جانشین پرسش‌نامه گرایش شخصی^{۶۰} جهت ارزیابی موفقیت و عملکرد فردی اشخاص توسعه یافته است. تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش مورب، مجموعه شاخصه‌ای اولیه را به ۲۷ فقره تنزل داد که در ۵ شاخص نمود یافت. تجزیه و تحلیل عوامل مرتبه دوم، دو جزء اصلی مشخص ساخت، ارجاع به خود^{۶۱} همراه با دوزیرمقیاس سازگاری^{۶۲} و خودمختاری^{۶۳}، گشودگی^{۶۴} همراه با سه زیرمقیاس گشودگی به زندگی^{۶۵}، گشودگی به خویش^{۶۶}، گشودگی به دیگران^{۶۷} (Lecker et al, 1997, 353-365). این پرسش‌نامه جهت استفاده در این پژوهش، ابتدا توسط تاج (۱۳۹۰) اعتباریابی شد، که بر

(Chamorro, Reimers, Hsu & Ahmetgol, 2009). برخی از محققین نیز مقولات زیبایی‌شناسی آثار هنری را در رابطه با جامعه مخاطبین مورد تحلیل قرار داده‌اند (Rawlings, Vidal; Furnham, 2004). تعدادی دیگر از روان‌شناسان نیز به مطالعه در زمینه تأثیر وجوه عاطفی^۵ و احساسی آثار هنری بر مخاطبین، پرداخته‌اند (Chamorro, Burke, Hsu & Swami, 2010). یک تعریف عمومی و پذیرفته شده، خلاقیت را به عنوان فرآیند تولید چیزی که بدیع، اصیل، مفید و مناسب است توصیف می‌کند (Stockes, 1999, 297-304). از نظر اصول شناختی^۶، خلاقیت نیازمند ترکیب برخی از فرآیندها و مهارت‌های شناختی است که مهم‌ترین آنها، تفکر واگرا^۷ و حل مساله خلاق^۸ می‌باشد (Silvia, Winterstein, Willse, Barona, Cram, & Hess, 2008). تاکنون تحقیقات اندکی به مقوله خودشکوفایی اختصاص یافته است، این در حالی است که تقریباً مطالعه تأثیرات محیط‌های هنری بر نمره خودشکوفایی بسیار ناچیز است. برخی از نویسندگان، مستندات در این ارتباط مطرح نموده‌اند. رایدنر^۹ (1987-22-24) اشاره می‌کند که معلمین هنر همچون هوسنستام^{۱۰} (1971, 17-18)، و کافمن^{۱۱} (1966)، به وجود رابطه میان خویش‌شناسی شکوفاشده با فرآیند خلق اثر هنری تأکید نموده‌اند.

روش تحقیق

روش پژوهش از نوع تحقیق همبستگی بر اساس نمونه‌گیری از بستر کیفی و تبدیل داده‌ها به صورت نتایج کمی در قالب ساختار آمار تحلیلی^{۱۲} (استنباطی) می‌باشد. در این تحقیق از سه ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی نئون^{۱۳}، ابزار سنجش خلاقیت تورنس^{۱۴}، و ابزار سنجش شکوفایی استعداد^{۱۵} استفاده شده است. این سه ابزار، در غالب یک پرسش‌نامه بین تمامی دانشجویان دوره چهارساله رشته طراحی صنعتی^{۱۶} در انتهای هر کلاس و در پایان نیم سال اول تحصیلی توزیع گشت و دانشجویان در طی مدت ۴۵ دقیقه به سوالات هر سه پرسش‌نامه پاسخ دادند. پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار اسپس اس اس^{۱۷}، از طریق آزمون همبستگی پیرسون^{۱۸}، متغیرهای تحقیق مورد تحلیل قرار گرفتند تا رابطه میان آنها با توجه به مقوله تفاوت جنسیتی مورد آزمون قرار گیرد.

آزمودنی‌ها

شرکت‌کنندگان در این تحقیق شامل یک گروه مستقل از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته طراحی صنعتی از دو دانشگاه هنر اصفهان و پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستند که در مجموع ۹۲ نفر را در برمی‌گیرد که ۴۹ نفر از آنان دختر و ۴۳ نفر پسر می‌باشند. میانگین سن آزمودنی‌ها برابر ۲۱ سال بوده است. فراوانی در سن ۱۸ سال برابر با ۱۷ دانشجو، فراوانی در سن ۱۹ سال برابر با ۱۶ دانشجو، فراوانی در سن ۲۰ سال برابر با ۱۶ دانشجو، فراوانی در سن ۲۱ سال برابر با ۱۱ دانشجو، و حداقل سن دانشجو ۱۸ و حداکثر سن ۳۲ سال می‌باشد.

اساس اجرای مقیاس شکوفایی استعداد، بر روی ۲۹۱ فرد شاغل، در رده سنی ۲۵ تا ۷۰ سال، آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

در ابتدا داده‌های به دست آمده از دانشجویان رشته طراحی صنعتی از طریق جداول ۱، ۲ و ۳ در غالب نمرات کل بدون در نظر گرفتن نقش جنسیت^{۶۸}، نمایش داده خواهد شد. همچنین، در جداول ۴، ۵ و ۶، تفاوت نمرات بین دانشجویان پسر و دختر مورد مقایسه قرار خواهد داد. فرضیه اول تحقیق این است که میان ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت، ویژگی‌های شخصیتی با خودشکوفایی، خلاقیت با خودشکوفایی رابطه وجود دارد و فرضیه دوم در پی آزمودن وجود تفاوت میان دانشجویان پسر و دختر در ارتباط با متغیرهای موجود در فرضیه اول است. بر اساس مندرجات جدول ۱، رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی

با شاخص خلاقیت به عنوان نمره کل و بدون در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی دلالت بر این مهم دارد که شاخص خلاقیت با عامل روان‌آزرده‌خویی دارای رابطه معکوس معنادار^{۶۹} با شدت متوسط می‌باشد. از سوی دیگر، سه مقیاس سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار از شاخص خلاقیت نیز با عامل اول رابطه معکوس معنادار برقرار نموده‌اند، حال آنکه مقیاس بسط، با عامل اول، هیچ‌گونه رابطه معناداری برقرار ننموده است. میان عامل برون‌گرایی با شاخص خلاقیت، رابطه معناداری ایجاد نشده است و از میان تمامی مقیاس‌های خلاقیت، مقیاس ابتکار با عامل دوم، رابطه مستقیم معنادار^{۷۰} با شدت ضعیف برقرار نموده است. میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خلاقیت و تمامی مقیاس‌های خلاقیت رابطه مستقیم معنادار و به ترتیب با شدت قوی، ضعیف، قوی، متوسط و متوسط بوجود آمده است. در ادامه، میان عامل سازگاری با شاخص خلاقیت رابطه مستقیم معنادار اما با شدت ضعیف پدید آمده

جدول ۱- ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت دانشجویان طراحی صنعتی.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۱									
۲	۰.۴۳۱**	۱								
۳	۰.۱۴۶	۰.۳۹	۱							
۴	۰.۴۰۱**	۰.۵۲۱**	۰.۲۶۴*	۱						
۵	۰.۱۷۳	۰.۳۵۰**	۰.۱۰۹	۰.۱۷۵	۱					
۶	۰.۳۱۳**	۰.۱۴۶	۰.۵۶۹**	۰.۲۴۹*	۰.۰۸۱	۱				
۷	۰.۲۷۷**	۰.۰۸۴	۰.۲۹۵**	۰.۱۳۵	۰.۰۱۲	۰.۷۵۴**	۱			
۸	۰.۲۴۴*	۰.۱۱۳	۰.۶۲۷**	۰.۱۵۸	۰.۱۰۴	۰.۸۲۴**	۰.۴۲۳*	۱		
۹	۰.۳۸۴**	۰.۲۴۷*	۰.۴۹۴**	۰.۳۲۳*	۰.۱۳۷	۰.۸۴۱**	۰.۵۳۱**	۰.۶۵۱**	۱	
۱۰	۰.۰۶۳	۰.۰۰۶	۰.۳۲۶**	۰.۱۶۵	۰.۰۰۹	۰.۷۱۳**	۰.۴۵۸**	۰.۴۳۱**	۰.۴۲۴**	۱

* ۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد=۹۲ نفر

جدول ۲- ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و خودشکوفایی دانشجویان طراحی صنعتی.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	۱							
۲	۰.۴۳۱**	۱						
۳	۰.۱۴۶	۰.۳۹	۱					
۴	۰.۴۰۱**	۰.۵۲۱**	۰.۲۶۴*	۱				
۵	۰.۱۷۳	۰.۳۵۰**	۰.۱۰۹	۰.۱۷۵	۱			
۶	۰.۵۶۱**	۰.۵۸۶**	۰.۲۳۳*	۰.۴۶۶**	۰.۲۹۶**	۱		
۷	۰.۴۹۱**	۰.۵۸۵**	۰.۲۲۴*	۰.۴۴۴**	۰.۳۱۳**	۰.۹۳۳**	۱	
۸	۰.۵۴۳**	۰.۴۷۱**	۰.۱۸۰	۰.۳۳۹**	۰.۱۸۱	۰.۸۶۳**	۰.۶۳۹**	۱

* ۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد=۹۲ نفر

میان ضعیف تا قوی قرار دارند.

چنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در مرتبه نخست همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت نشان می‌دهد که میان دانشجویان دختر با پسر در رشته طراحی صنعتی تفاوت‌های اندکی میان متغیرهای تحقیق وجود دارد بدین صورت که تنها تفاوت موجود در عدم وجود رابطه معنادار میان عامل روان‌آزرده‌خوبی با شاخص خلاقیت در دانشجویان پسر است حال آنکه میان دو متغیر تحقیق در دانشجویان دختر رابطه معکوس معنادار با شدت متوسط ایجاد شده است. میان سه عامل دیگر همچون برون‌گرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی به دلیل عدم وجود رابطه معنادار با شاخص خلاقیت در دانشجویان پسر و دختر، میان دو جنس تفاوت بوجود نیامده است اما میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خلاقیت در دانشجویان پسر و دختر رابطه مستقیم معنادار با شدت قوی ایجاد شده است که از این حیث نیز میان دو جنس تفاوت وجود ندارد.

در مرتبه بعدی، همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی با خودشکوفایی نشان می‌دهد که میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی تفاوت اندکی وجود دارد؛ بدین صورت که تنها تفاوت در عدم وجود رابطه معنادار بین عامل وظیفه‌شناسی با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و وجود رابطه مستقیم معنادار با شدت متوسط در دانشجویان دختر است اما میان عامل‌های دیگر با شاخص خودشکوفایی میان دو جنس تفاوت وجود ندارد چراکه میان عامل روان‌آزرده‌خوبی با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه معکوس معنادار با شدت برابر (قوی) ایجاد شده است؛ میان عامل برون‌گرایی با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه مستقیم و معنادار با شدت برابر (قوی) ایجاد شده است؛ میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خودشکوفایی در دانشجویان پسر و دختر رابطه معنادار با شدت برابر (متوسط) ایجاد شده است.

است و همچنین تنها مقیاس ابتکار از شاخص خلاقیت توانسته با عامل اول رابطه مستقیم معنادار با شدت متوسط ایجاد نماید. در نهایت، میان عامل سازگاری با شاخص خلاقیت و مقیاس‌های مربوطه هیچگونه رابطه معناداری ایجاد نشده است.

بر اساس مندرجات جدول ۲، رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی با شاخص خودشکوفایی به عنوان نمره کل و بدون در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی، دلالت بر این مهم دارد که میان عامل روان‌آزرده‌خوبی با شاخص خودشکوفایی رابطه معکوس معنادار با شدت قوی وجود دارد و همچنین دو خرده‌مقیاس گشودگی و ارجاع به خود از شاخص خودشکوفایی، با عامل اول رابطه معکوس معنادار به ترتیب با شدت متوسط و قوی ایجاد شده است. میان عامل برون‌گرایی با شاخص خودشکوفایی و دو خرده‌مقیاس مربوطه، رابطه مستقیم معنادار به ترتیب با شدت قوی، قوی و متوسط پدید آمده است. همچنین، میان عامل گشودگی به تجربه با شاخص خودشکوفایی و خرده‌مقیاس گشودگی رابطه مستقیم معنادار با شدت ضعیف شکل گرفته است، این در حالی است که میان عامل سوم با خرده‌مقیاس ارجاع به خود، رابطه معنادار بوجود نیامده است. در ادامه، میان عامل سازگاری با شاخص خودشکوفایی و دو خرده‌مقیاس مربوطه، رابطه مستقیم معنادار با شدت رابطه برابر (متوسط) ایجاد شده است. در نهایت، میان عامل وظیفه‌شناسی با شاخص خودشکوفایی و خرده‌مقیاس گشودگی رابطه مستقیم معنادار به ترتیب با شدت ضعیف و متوسط برقرار گشته اما میان عامل پنجم با خرده‌مقیاس دوم رابطه معنادار پدید نیامده است. بر اساس مندرجات جدول ۳، رابطه میان شاخص خلاقیت با شاخص خودشکوفایی به عنوان نمره کل و بدون در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی، دلالت بر این مهم دارد که میان شاخص خلاقیت و تمامی مقیاس‌های چهارگانه خلاقیت با شاخص خودشکوفایی و دو خرده‌مقیاس گشودگی و ارجاع به خود رابطه مستقیم معنادار وجود دارد که شدت رابطه بین تمامی متغیرهای مربوطه در بازه جدول ۳- ماتریس همبستگی خلاقیت و خودشکوفایی دانشجویان طراحی صنعتی.

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
							۱	خلاقیت	۱
						۱	.۷۵۴**	سیالی	۲
					۱	.۴۲۳**	.۸۲۴**	انعطاف‌پذیری	۳
				۱	.۶۵۱**	.۵۳۱**	.۸۴۱**	ابتکار	۴
			۱	.۴۲۴**	.۴۳۱**	.۴۵۸**	.۷۱۳**	بسط	۵
		۱	.۳۰۳**	.۵۴۱**	.۳۷۸**	.۳۴۶**	.۵۰۳**	خودشکوفایی	۶
	۱	.۹۳۳**	.۲۹۷**	.۴۷۵**	.۳۴۰**	.۳۲۴**	.۴۵۹**	گشودگی	۷
۱	.۶۳۹**	.۸۶۳**	.۲۲۳*	.۴۹۵**	.۳۱۹**	.۳۰۰**	.۴۲۹**	ارجاع به خود	۸

۰/۰۵ معناداری* ۰/۰۱ سطح معناداری** و تعداد=۹۲ نفر

جدول ۴- ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت با در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی در دانشجویان طراحی صنعتی.

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	جنسیت	
									۱	روان آزاده خویی	۱
								۱	-.۵۶۹**	برونگرایی	۲
							۱	-.۱۳۹	-.۱۵۷	گشودگی	۳
						۱	.۱۹۴	.۴۶۸**	-.۳۸۲*	سازگاری	۴
					۱	.۲۱۷	.۰۰۲	.۳۷۲*	-.۱۹۱	وظیفه‌شناسی	۵
				۱	.۰۷۶	.۲۷۴	.۶۱۶**	.۱۳۱	-.۲۶۲	خلاقیت	۶
			۱	.۷۳۵**	-.۰۸۳	.۱۳۴	.۳۲۲*	.۱۰۰	-.۰۷۲	سیالی	۷
		۱	.۴۰۰**	.۸۱۴**	.۱۷۲	.۲۰۵	.۶۲۴**	.۱۴۵	-.۲۹۵	انعطاف‌پذیری	۸
	۱	.۶۵۵**	.۵۸۰**	.۸۹۰**	.۱۰۱	.۲۹۸	.۵۸۹**	.۱۹۳	-.۳۸۱*	ابتکار	۹
۱	.۵۳۲**	.۴۱۹**	.۴۳۰**	.۷۲۱**	.۰۰۳	.۲۱۹	.۳۵۷*	-.۰۶۴	-.۰۰۳	بسط	۱۰
									۱	روان آزاده خویی	۱
								۱	-.۲۶۸	برونگرایی	۲
							۱	.۱۹۹	-.۱۳۳	گشودگی	۳
						۱	.۳۱۹*	.۵۹۹**	-.۴۵۰**	سازگاری	۴
					۱	.۱۲۰	-.۱۹۴	.۳۳۲*	-.۲۲۷	وظیفه‌شناسی	۵
				۱	.۱۳۲	.۲۴۱	.۵۴۸**	.۱۶۹	-.۳۳۸*	خلاقیت	۶
			۱	.۷۶۶**	.۱۱۱	.۱۵۵	.۲۷۷*	.۰۷۵	-.۴۱۷**	سیالی	۷
		۱	.۴۳۰**	.۸۳۱**	.۰۶۳	.۱۲۵	.۶۳۸**	.۰۷۸	-.۱۷۳	انعطاف‌پذیری	۸
	۱	.۶۴۹**	.۴۷۹**	.۷۹۱**	.۲۵۰	.۳۷۵**	.۴۴۵**	.۳۳۱*	-.۳۵۴*	ابتکار	۹
۱	.۳۵۲*	.۴۵۰**	.۵۰۱**	.۷۲۲**	.۰۰۱	.۱۱۹	.۳۱۴*	.۰۵۶	-.۱۳۰	بسط	۱۰

۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد پسران = ۴۳ نفر و تعداد دختران = ۴۹ نفر

جدول ۵- ماتریس همبستگی ویژگی‌های شخصیتی و خودشکوفایی با در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی در دانشجویان طراحی صنعتی.

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	جنسیت	
							۱	روان آزاده خویی	۱
						۱	-.۵۶۹**	برونگرایی	۲
					۱	-.۱۳۹	-.۱۵۷	گشودگی	۳
				۱	.۱۹۴	.۴۶۸**	-.۳۸۲*	سازگاری	۴
			۱	.۲۱۷	.۰۰۲	.۳۷۲*	-.۱۹۱	وظیفه‌شناسی	۵
		۱	.۲۵۰	.۴۴۷**	.۲۵۴	.۶۶۰**	-.۵۱۰**	خودشکوفایی	۶
	۱	.۹۴۴**	.۲۵۱	.۴۵۱**	.۱۹۰	.۶۲۷**	-.۴۴۴**	گشودگی	۷
۱	.۷۱۴**	.۸۹۶**	.۱۸۶	.۳۴۴*	.۲۹۹	.۶۰۸**	-.۵۱۵**	ارجاع به خود	۸

ادامه جدول ۵.

جنسیت		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
دختر	۱	روان‌آزرده‌خویی	۱						
	۲	برون‌گرایی	-۰.۲۶۸	۱					
	۳	گشودگی	-۰.۱۳۳	۱	۰.۱۹۹				
	۴	سازگاری	-۰.۴۵۰**	۰.۵۹۹**	۰.۳۱۹*	۱			
	۵	وظیفه‌شناسی	-۰.۲۲۷	۰.۳۳۳*	-۰.۱۹۴	۰.۱۲۰	۱		
	۶	خودشکوفایی	-۰.۶۳۰**	۰.۵۱۳**	۰.۲۲۳	۰.۴۸۳**	۰.۳۶۰*	۱	
	۷	گشودگی	-۰.۵۵۸**	۰.۵۶۳**	۰.۲۴۸	۰.۴۳۹**	۰.۳۸۳**	۰.۹۲۷**	۱
	۸	ارجاع به خود	-۰.۵۷۰**	۰.۳۰۷*	۰.۰۹۹	۰.۳۴۳*	۰.۲۰۵	۰.۸۳۴**	۰.۵۸۳**

۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد پسران = ۴۳ نفر و تعداد دختران = ۴۹ نفر

جدول ۶- ماتریس همبستگی خلاقیت و خودشکوفایی با در نظر گرفتن تفاوت جنسیتی در دانشجویان طراحی صنعتی.

جنسیت		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پسر	۱	خلاقیت	۱						
	۲	سیالی	۰.۷۳۵**	۱					
	۳	انعطاف‌پذیری	۰.۸۱۴**	۰.۴۰۰**	۱				
	۴	ابتکار	۰.۸۹۰**	۰.۵۸۰**	۰.۶۵۵**	۱			
	۵	بسط	۰.۷۲۱**	۰.۴۳۰**	۰.۴۱۹**	۰.۵۳۳**	۱		
	۶	خودشکوفایی	۰.۴۶۵**	۰.۲۷۹	۰.۳۹۱**	۰.۵۶۰**	۰.۱۸۸	۱	
	۷	گشودگی	۰.۳۵۰*	۰.۱۸۹	۰.۲۵۹	۰.۴۷۴**	۰.۱۴۲	۰.۹۴۴**	۱
	۸	ارجاع به خود	۰.۴۸۶**	۰.۲۹۲	۰.۴۶۳**	۰.۵۵۳**	۰.۱۶۲	۰.۸۹۶**	۰.۷۱۴**
دختر	۱	خلاقیت	۱						
	۲	سیالی	۰.۷۶۶**	۱					
	۳	انعطاف‌پذیری	۰.۸۳۱**	۰.۴۳۰**	۱				
	۴	ابتکار	۰.۷۹۱**	۰.۴۷۹**	۰.۶۴۹**	۱			
	۵	بسط	۰.۷۲۷**	۰.۵۰۱**	۰.۴۵۰**	۰.۳۵۳*	۱		
	۶	خودشکوفایی	۰.۵۴۲**	۰.۴۰۸**	۰.۳۶۷**	۰.۵۳۷**	۰.۳۹۷**	۱	
	۷	گشودگی	۰.۵۵۹**	۰.۴۳۴**	۰.۴۱۱**	۰.۵۰۳**	۰.۴۰۸**	۰.۹۲۷**	۱
	۸	ارجاع به خود	۰.۳۷۰**	۰.۲۹۸*	۰.۱۷۸	۰.۴۲۶**	۰.۲۷۸	۰.۸۳۴**	۰.۵۸۳**

۰/۰۵ معناداری = * و ۰/۰۱ سطح معناداری = ** و تعداد پسران = ۴۳ نفر و تعداد دختران = ۴۹ نفر

خودشکوفایی، به دلیل عدم وجود رابطه معنادار در دانشجویان پسر و وجود رابطه مستقیم معنادار با شدت متوسط در دانشجویان دختر، میان دو جنس تفاوت وجود دارد حال آنکه میان دو مقیاس انعطاف‌پذیری و ابتکار از شاخص خلاقیت با شاخص خودشکوفایی به دلیل وجود رابطه مستقیم معنادار به ترتیب با شدت رابطه متوسط و قوی در دانشجویان پسر و دختر، میان دو جنس تفاوت وجود ندارد.

در مرتبه نهایی، همبستگی میان شاخص خلاقیت با شاخص خودشکوفایی نشان می‌دهد که میان دو متغیر تحقیق در دانشجویان پسر و دختر به دلیل وجود رابطه مستقیم معنادار تفاوتی وجود ندارد اما به لحاظ وجود شدت رابطه متوسط در دانشجویان پسر و وجود شدت رابطه قوی در دانشجویان دختر، میان دو جنس تفاوت وجود دارد. میان دو مقیاس سیالی و بسط از شاخص خلاقیت با شاخص

نتیجه

هدف از انجام این تحقیق، پی بردن به رابطه میان برخی از متغیرهایی است که به نظر می‌رسد در مقوله آموزش دارای اهمیت راهبردی هستند که شناخت از وجود رابطه میان آنها، می‌تواند متخصصین و مدرسین آموزش هنر را در ارتقای کیفیت و بهره‌وری آموزشی یاری رساند. از دیگر اهداف تحقیق، تبیین تفاوت‌های احتمالی است که می‌تواند میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی وجود داشته باشد. متغیرهایی که در جامعه تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند عبارتند: از ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی.

یافته‌های تحقیق دلالت بر این مهم دارند که میان دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی به واسطه ارتباطات میان ویژگی‌های شخصیت، خلاقیت و خودشکوفایی دارای تفاوت اندکی می‌باشند. آنچنان که مشخص است خلاقیت دانشجویان پسر تحت تأثیر عامل روان‌آزرده‌خوبی / ثبات هیجانی قرار ندارد حال آنکه خلاقیت دانشجویان دختر از ناحیه عامل اول دچار آسیب شده است که شدت آسیب به میزان متوسط می‌باشد. نکته حائز اهمیت آنکه عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی / درون‌گرایی، سازگاری / ناسازگاری و وظیفه‌شناسی / وظیفه‌نشناسی به دلیل عدم برقراری رابطه با شاخص خلاقیت بر این مهم دلالت دارند که هیچیک از عامل‌های مربوطه، بر روی خلاقیت دانشجویان پسر و دختر در رشته طراحی صنعتی تأثیرگذار نیستند لذا خلاقیت دانشجویان از ناحیه این سه عامل، نه تأثیر مثبت و نه تأثیر منفی می‌پذیرد. در ادامه مشخص گردید که خودشکوفایی نیز همچون خلاقیت از ناحیه عامل روان‌آزرده‌خوبی آسیب دیده است که این امر در میان دانشجویان پسر و دختر بصورت مشترک ایجاد شده است و جالب توجه است که شدت آسیب‌دیدگی هر دو جنس از ناحیه عامل اول با یکدیگر برابر است. دو عامل برون‌گرایی / درون‌گرایی، وظیفه‌شناسی / وظیفه‌نشناسی نیز در هر دو گروه از دانشجویان رشته طراحی صنعتی با شدتی برابر بر روی شاخص خودشکوفایی تأثیر مثبت به جای گذارده است. همچنین، عامل گشودگی به تجربه بر نمره شاخص خودشکوفایی در دانشجویان دختر و پسر هیچگونه تأثیری ندارد. در نهایت مشخص گردید که اگرچه عامل وظیفه‌شناسی تأثیری بر رشد یا کاهش نمره خودشکوفایی در دانشجویان پسر ندارد، اما می‌تواند در دانشجویان دختر تأثیر مثبت ایجاد نماید و در رشد نمره این شاخص نیز مؤثر واقع گردد. نظریه‌های خودشکوفایی که از سوی متخصصین ارائه شده است، بر این مهم تأکید دارند که میان خودشکوفایی و خلاقیت رابطه قوی وجود دارد (باقری خلیلی و محرابی کالی، ۱۳۹۰)، چنان که نمی‌توان میان دو مفهوم تفاوتی قایل شد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱) و همچنین با مفهوم کمال و سطح عالی سلامت روان رابطه دارد (شولتز، ۱۳۸۵)، در نتیجه باید انتظار داشت که خلاقیت و

خودشکوفایی نیز در میان دانشجویان رشته طراحی صنعتی دارای رابطه معنادار باشد. در مرحله آزمون مشخص گردید میان شاخص خلاقیت با خودشکوفایی هم دانشجویان پسر و هم دانشجویان دختر رابطه مثبت وجود دارد و این امر دلالت بر این مهم دارد که با رشد نمره شاخص خلاقیت، نمره شاخص خودشکوفایی افزایش می‌یابد که شدت تأثیرگذاری این دو متغیر بر روی یکدیگر در میان دو گروه از دانشجویان قدری تفاوت دارد.

پس از یافتن رابطه بین متغیرهای تحقیق و تفاوت‌هایی که میان دانشجویان پسر و دختر در برخی از موارد به لحاظ آماری وجود دارد، آنچه که به نظر می‌رسد که بسیار مهم و حیاتی باشد و می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد و می‌توان از آنها به عنوان کاستی‌های پژوهش نام برد و همچنین به عنوان موارد پیشنهادی در راستای تحقیقات آتی مرتبط با این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد؛ شامل موارد ذیل می‌باشد: الف) مصداق‌سازی رابطه‌های کشف شده در تحقیق با عناصر بصری در رشته طراحی صنعتی، چارچوب‌های نظری، رویکردهای هستی‌شناختی و فرآیند خلاقیت احتمالی در رشته طراحی صنعتی است تا از این طریق بتوان جامعه تحقیق را بیش از پیش جهت تأمین اهداف از پیش تعریف شده تحت کنترل و آزمون‌های دقیق قرار داد؛ ب) از آنجایی که یکی از ابزارهای پژوهش، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد، لذا بسیاری از شاخص‌های مرتبط با متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر پایگاه هویتی آزمودنی‌ها همچون ۱- پایگاه هویتی خانوادگی (میزان تحصیلات والدین، شغل والدین، تأهل یا مجرد آزمودنی، میزان درآمد خانواده، تعداد جمعیت خانواده و بسیاری از متغیرهای مرتبط با خانواده)، ۲- پایگاه هویتی اجتماعی، ۳- پایگاه هویتی جنسیتی، ۴- پایگاه هویتی عاطفی، و ۵- پایگاه هویتی شناختی، به دلیل تنوع و ناهمگونی بسیار بالای متغیرهای جمعیت‌شناختی در جامعه تحقیق علیرغم جمع‌آوری متغیرهای مربوطه از طریق پرسش‌نامه امکان بررسی تحلیل و تأثیر آنها و همچنین برقراری ارتباط آنها با متغیرهای اصلی تحقیق میسر نشد، لذا در تحقیقات بعدی می‌بایست میزان آزمودنی با توجه به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی در بازه‌ای قرار گیرد که به لحاظ آماری امکان تحلیل وجود داشته باشد؛ ج) در ارتباط مورد (ب)، برخی از نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی شخصیت بر این مهم تأکید دارند که ویژگی‌ها و صفات شخصیت، ریشه در ویژگی‌های زیستی و ژنتیک اشخاص دارد که می‌تواند بر بسیاری از ویژگی‌های رفتاری و شناختی فرد نیز تأثیرگذار باشد. با توجه به انتخاب پرسش‌نامه به عنوان ابزار تحقیق در این پژوهش، امکان استفاده از دیگر ابزارهای نمونه‌گیری وجود نداشته است لذا در تحقیقات آتی امکان بهره‌مندی از ابزارهای سنجش ویژگی‌های ژنتیکی و ارتباط آنها با متغیرهای تحقیق، می‌تواند کمک شایان توجهی بر تحقیق مرتبط با این پژوهش دربر داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 52 Tender Mindedness.
 53 Competence.
 54 Order.
 55 Dutifulness.
 56 Achievement Striving.
 57 Self-Discipline.
 58 Deliberation.
 59 Cronbach's Alpha Coefficient.
 60 POI.
 61 Self-Reference.
 62 Adaptation.
 63 Autonomy.
 64 Openness.
 65 Openness to Life.
 66 Openness to Others.
 67 Openness to Self.
 68 Gender Differences.
 69 Significant Negative Correlation.
 70 Significant Positive Correlation.

- 1 Maslow.
 2 Masters.
 3 Dahl.
 4 Aesthetic Categories.
 5 Emotional Aspects.
 6 Cognitive.
 7 Divergent Thinking.
 8 Creative Problem Solving.
 9 Ryder.
 10 Heussenstamm.
 11 Kuffman.
 12 Statistical Analysis.
 13 NEO-FFI.
 14 TTCT.
 15 MAP.
 16 Industrial Design.
 17 SPSS.
 18 Pearson Correlate Coefficient.
 19 Creativity.
 20 Fluency.
 21 Originality.
 22 Flexibility.
 23 Elaboration.
 24 Neuroticism.
 25 Extroversion.
 26 Openness to Experience.
 27 Agreeableness.
 28 Conscientiousness.
 29 Anxiety.
 30 Hostility.
 31 Depression.
 32 Self-Consciousness.
 33 Impulsiveness.
 34 Vulnerability to Stress.
 35 Warmth.
 36 Gregariousness.
 37 Assertiveness.
 38 Activity.
 39 Excitement Seeking.
 40 Positive Emotion.
 41 Fantasy.
 42 Aesthetics.
 43 Feelings.
 44 Actions.
 45 Ideas.
 46 Values.
 47 Trust.
 48 Straightforwardness.
 49 Altruism.
 50 Compliance.
 51 Modesty.

منابع

- باقری خلیلی، علی‌اکبر؛ محرابی کالی، منیره (۱۳۹۰)، بررسی ادراک واقعیت و پذیرش خود و دیگران در غزلیات حافظ (بر اساس نظریه شخصیت / خودشکوفایی آبراهام مزلو)، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۱-۱۷.
- تاج، فاطمه (۱۳۹۰)، رابطه سبک‌های دلبستگی و خودشکوفایی در روان‌درمانگران و مقایسه آن با شاغلین غیرروان‌درمانگر شهرستان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- شقایق، فرهاد؛ مزگان آگاه هریس (۱۳۸۹)، مقایسه خودشکوفایی دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، بیک نور، سال نهم، شماره اول، ص ۶۲.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی (۱۳۸۱)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه سید محمدی، چاپ چهارم، مؤسسه نشر ویرایش، تهران.
- شولتز، دوان (۱۳۸۵)، روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ سیزدهم، نشر کیهان، تهران.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲)، خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۳، صص ۴۶-۵۴.
- گروسی فرشی، م. ت (۱۳۸۰)، رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت)، چاپ اول، نشر دانیال و جامعه پژوه، تبریز.
- Burleson, W (2005), Developing creativity, motivation, and self-actualization with learning systems, *International Journal of human-computer studies*, No. 63, pp.436-451.
- Cashdan, S (1971), Social participation and sub-cultural influences in the study of adolescent creativity, *Adolescence*, 6(21), pp.39-52.
- Chamorro-Premuzic, T; Reimers, S; Hsu, A & Ahmetgol, G (2009), Who art thou? Personality predictors of artistic preferences in a large UK sample the importance of openness, *British Journal of Psychology*, 100, pp.501-516.
- Chamorro-Premuzic, T; Burke, C; Hsu, A & Swami, V (2010), Per-

and validation of a self-report measure of self-actualization, *Social behavior and personality: an international journal*, Vol. 25, No. 4, pp. 353-365.

Maslow, A (1954), *Motivation and personality*, Harper & Row, New York.

Maslow, A.H (1970), *Motivation and personality, 2nd Edition.*, Harper & Row, New York.

Masters, Bradley R (2009), *A study of self-actualization of gifted children in public high school programs*, Dissertation submitted to the Faculty of Holos University, Doctoral dissertation of Theology.

Plucker, J.; Beghetto, R. & Dow, G (2004), Why isn't creativity more important to educational psychologist? Potential, pitfalls, and future directions in creativity research, *Educational psychologist*, 39(2), pp.83-96.

Rawlings, D; Vidal, N. B & Furnham, A (2000), Personality and Aesthetic preference in Spain and England: Two studies relating sensation seeking and openness to experience to liking for paintings and music, *European Journal of Personality*, Vol. 14, Issue 6, pp.553-576.

Ryder, W.W (1987), The role Art in self-actualization, *Art education*, Vol. 40, No. 2, pp.22-24.

Silvia, P.J; Winterstien, B.P; Willse, J.T; Baona, C.M; Cram, J.T & Hess K.I (2008), Assessing creativity with divergent thinking tasks: Exploring the reliability and validity of new subjective scoring methods, *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 2, pp. 68-58.

Smith, Michael Robert (2002), *the relationship between personality traits, and trainee effectiveness in counseling sessions: cognitive flexibility, self-actualization and spirituality*, Dissertation submitted in doctor of philosophy in counseling and educational psychology, University of Nevada-Reno.

Sternberg, R.J & Lubart, T.I (1996), *Defying the crowd: Cultivating creativity in a culture of conformity*, Free Press, New York.

Sternberg, R.J; Kaufman, J.C & Pretz, J.E (2003), A propulsion model of creative leadership, *Leadership Quart*, 14, pp.455-473.

Stockes, P.D (1999), Novelty, In M. A. Runco & S. R. Pritzker, *Encyclopedia of creativity* (pp.297-304), San Diego, CA, Academic Press.

Torrance, E.P (1990), *Torrance Tests of Creative Thinking*. Scholastic Testing Service, IL, Bensenville.

Tosi, D.J & Hoffman, S (1972), A factor analysis of the personal orientation inventory, *Journal of humanist psychology*, 12, pp.86-93.

personality predictors of artistic preferences as a function of the emotional valence and perceived complexity of paintings, *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, Vol. 4, No. 4, pp.196-204.

Chavez-Eagle, R.A; Graftt-Guerrero, A; Garcai-Reyna, J; Vaugier, V & Cruz-Fuentes, C (2007), Cerebral blood flow associated with creative performance: A comparative study, *Neuroimage*, 38, pp.528-529.

Costa, P. T & McCrae, R. R (1992), *Revised NEO personality inventory (NEO PI-R): professional manual*, Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.

Dahl, J.R; Wakefield J. R, A.J; Kimlicka, M.T & Wiederstein, M (1983), How the personality dimensions of neuroticism, extroversion, and psychoticism relate to self-actualization, *Personality and individual differences*, 4(6), pp.683-695.

Doyle, J.S (1975), Self-Actualization, neuroticism, and extroversion revisited, *Psychological reports*, 39, pp.1081-1082.

French, S & Joseph, S (1999), Religiosity and its association with happiness, purpose in life, and self-actualization, *Mental Health, Religion and Culture*, 2, pp.117-120.

Gebauer, E.J; Riketta, M; Broemer, P & Gregory, M.R (2008), Pleasure and pressure based prosocial motivation: Divergent relations to subjective well-being, *Journal of research in personality*, Vol 42, Issue 2, pp.399-420.

Heussenstamm, F. K (1971), Humanizing higher education, *Art education*, 24 (26), pp.17-18.

Hough, L. M & Ones, D. S (2001), The structure, measurement, validity and use of personality variables in industrial, work and organizational psychology. In N. Anderson, D. S. Ones, H.K. Sinangil & C. Viswesvaran (Eds), *Handbook of industrial, work and organizational psychology*, Sage, London.

Jones, Alvin & Crandall, Risk (1986), Validation of a Short Index of Self-Actualization, *Personality and Social Psychology Bulletin*, Volume 12, Issue 1, pp.63-73.

Knapp, R.P (1995), Relationship of a measure of self-actualization to neuroticism and extraversion, *Journal of consult psychology*, 29, pp.168-172.

Kuffman, I (1966), *Art and education in contemporary culture*, the Macmillan Company, New York.

Leclerc, G; Dube, M; Hbert, R & Gaulin, P (1997), The development